

داستان کلوخ انداختن تشنه بر آب

وب سایت مهدی سیاح زاده [www.sayahzadeh.com](http://www.sayahzadeh.com)

داستان های مثنوی

با نثر روان

مهدی سیاح زاده

## داستان کلوخ انداختن تشنه بر آب

برگرفته از کتاب « پیمانہ و دانہ »

مهدی سیاح زاده

انستیتو پژوهش ایران - لس آنجلس - ۳ جلد - ۱۳۸۷ (۲۰۰۸)

انستیتو پژوهش ایران - لس آنجلس - ۶ جلد - ۱۳۹۶ (۲۰۱۷)

انتشارات مهر اندیش - تهران - چاپ پنجم - ۱۳۹۹ (۲۰۲۰)

## داستان کلوخ انداختن تشنه بر آب

وب سایت مهدی سیاح زاده [www.sayahzadeh.com](http://www.sayahzadeh.com)

---

سجده نتوان کرد بر آب حیات

تا نیابم زین تن خاکی نجات

۱۲۱۱/۲

## داستان کلوخ انداختن تشنه بر آب

( دفتر دوم - از بیت ۱۱۹۲ )

شخص تشنه ای، بر دیواری کنار جوی آب نشسته بود. دیوار مانع رسیدن او به آب می شد. تشنه، ناگهان از روی دیوار خستی را کند و بر آب جوی انداخت. طبیعتاً از برخورد خشت با آب، صدایی برخاست. صدای آب مانند جامی از شراب، او را مست کرد و چنان از صدای خوش آب سرمست شد که خستی دیگر کند و بر آب جوی انداخت، خستی دیگر و خستی دیگر ...

آب گفت: ای نادان، از این کار خود چه سودی می

بری که مدام خشت را بر من می زنی؟

آب می زد بانگ، یعنی: هی تو را

فایده چه زین زدن خستی مرا؟

۱۱۹۷/۲

شخص تشنه پاسخ داد: ای آب، این کار دو فایده برای من دارد که از آن دست نخواهم کشید. اول این که صدای دلنشین تو برای من تشنه و همه ی تشنگان، مانند نوای خوش رباب، لذت بخش است. نوای آب برای تشنگان، مانند صور اسرافیل<sup>۱</sup> است که مردگان را زنده می کند. مانند بانگِ رعد است در ایام بهار، که پیام آور باران و سرسبزی باغ و گل و بوستان است.

فایده ی دیگر این خشت انداختن به تو این است که با هر خشتی که می گنم و بر تو می اندازم، دیوار کوتاه تر می شود و کوتاه شدن دیوار اسباب نزدیکی من به تو را فراهم می سازد و سرانجام سبب وصال من به تو می گردد.

\*\*\*

---

<sup>۱</sup> - اسرافیل: یکی از فرشتگان مقرب خدا که طبق روایات دینی مأمور دمیدن صور و زنده کردن مردگان در روز قیامت است. صور اسرافیل شاخی است که اسرافیل در روز رستاخیز در آن خواهد دمید: یک بار جهت میراندن و بار دیگر برای زنده کردن خلائق.

شرح مختصر نمادها و رمزها

مولوی در پایان داستان پیش (گرفتار شدن باز میان جغدان) به محاسن نیایش می پردازد و می گوید، نیایش زیاد باعث می شود، انسان به خدا نزدیک تر شود. مانند همین تشنه ای که با پرتاب کردن خشت به آب، هم صدای معشوق خود را می شنود و هم موجب نزدیکی او به خدا می شود. در این داستان، آب سمبل معشوق ازلی انسان (حضرت حق) است. شخص نشسته بر دیوار نماد عاشق خدا و دیوار مظهر موانعی است که نفس برای نزدیکی به خدا پیش پای انسان گذارده است. این است که در ادامه می گوید:

فایده دیگر که هر خشتی کزین  
برگنم آیم سوی ماء معین<sup>۱</sup>  
کز کمی خشت دیوار بلند  
پست تر گردد به هر دفعه که کند  
پستی دیوار قربی می شود  
فصل او درمان وصلی می شود...

<sup>۱</sup> - ماء معین: آب روشن و پاک.

تا که این دیوار، عالی گردن است  
مانع این سر فرود آوردن است<sup>۱</sup>  
سُجده نتوان کرد بر آب حیات  
تا نیابم زین تن خاکی نجات<sup>۲</sup>  
۱۲۰۹/۲

\*\*\*

---

<sup>۱</sup> - عالی گردن: برافراشته، بلند. معنی بیت: این دیوار که مقابل تو و خدا است، مانع تسلیم شدن تو به خدا و نزدیکی به معشوق می شود.  
<sup>۲</sup> - معنی بیت: اما برای سجده کردن باید همه ی تعلقات دنیوی خود را رها کنیم. زیرا با این گرانباری جان، نمی توان به حضرت حق نزدیک شد.